

# کوهسار

فصلنامه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی  
کریمه، ۴۶ صفحه سال اول، پاییز ۱۳۹۷  
پیش‌شماره اول، قیمت ۳۰۰۰ تومان

سخن سر دیبر / کربلایی  
طلیعه / احتکار یا ابتکار؟  
تأمل / چگونه همسری باشم؟  
تربیون / ولایت فقیه در دو دقیقه  
رسانه / رسانه صلاح جنگ روانی  
انتظار / چه قصه‌ی پرغصه‌ای است انتظار



## فهرست مطالب

۲	مناجات / مناجات تأمین / زهرا ساکی
۳	طلیعه / احتکار یا ابتکار؟؟؟ / سمیه بابائیان
۴	سخن سر دبیر / کربلایی... / سمیه بابائیان
۶	انتظار / چه قصه پرغصه‌ای است انتظار / زهرا خندان
۸	گذری بر زمان / سمیه بابائیان
۱۰	پلاک خاکی / شهیدی که خیلی‌ها نمی‌شناختندش / زهرا ساکی
۱۲	قلم / گام‌های پژوهش / زینب رضایی
۱۴	مقاله / مباحث خانواده / ناهید موحدی
۱۸	تریبون / ولایت فقیه در دو دقیقه / طیبه بابائیان
۲۰	داستان / گوشت به عوض کبوتران حرم / فاطمه سلطانی
۲۲	سلوک / علما / زهرا ساکی
۲۴	قاب / تصویر: مفاسد فضای مجازی
۲۶	رسانه / رسانه: سلاح جنگ روانی / استاد دیلمقانی
۲۸	تأمل / چگونه همسری باشم؟ / سیده زهرا امامی
۳۰	تفکر / کاشت ناخن / ناهید موحدی
۳۲	تلنگر / ثواب زیارت امام حسین (ع) / فاطمه سلطانی
۳۴	مهدویت / یاد یار / سیده زهرا امامی
۳۶	یار مهربان / معرفی کتاب / ناهید موحدی
۳۸	صمیمانه / پرسش و پاسخ / فاطمه تقی پور
۴۰	سلامت / مزاج شناسی اسلامی / فاطمه سلطانی
۴۲	دستپخت / آشپزی / فاطمه میری
۴۴	اخبار مدرسه / فعالیت‌های مدرسه در تابستان ۹۷
۴۷	شعر / هوای دلتنگی - غربت خورشید / فاطمه ساکی



فصلنامه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی کریمه، ۴۶ صفحه  
سال اول، پاییز ۱۳۹۷، پیش شماره اول، قیمت ۳۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز:  
مدرسه علمیه کریمه اهل بیت (ع) قم

مدیرمسئول:  
زهرا ساکی

سر دبیر:  
سمیه بابائیان

همکاران تحریریه:  
طیبه بابائیان، فاطمه ساکی، فاطمه فراهانی،  
فاطمه تقی پور، زینب رضایی.

هیئت تحریریه:  
زهرا ساکی، ناهید موحدی، سیده زهرا امامی،  
سمیه بابائیان، فاطمه سلطانی، فاطمه میری،  
زهرا خندان

با سپاس ویژه از:  
استاد ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین  
هادی منش و استاد دیلمقانی

طراحی و صفحه آرایی:  
عادل کریمی‌نیا



## کربلا مغناطیس عالم امکان

کربلا الگوی همیشگی ماست. کربلا مثالی است برای اینکه در مقابل عظمت دشمن، انسان نباید دچار تردید شود. این یک الگوی امتحان شده است. شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبد الله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت علیهم السلام دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است.

پیشنهاد و انتقاداتان را به نشانی صندوق پستی ۳۷۱۳۸۵۱۷۷۵ فرستاده  
و یا با شماره ۳۸۸۶۳۲۰۸ (داخلی ۱۰۶) تماس حاصل فرمایید.  
نشانی: نیروگاه، بلوار یادگار امام، خیابان شهید فرمانعلی مولایی، کوچه  
پنجم، مدرسه علمیه کریمه اهل بیت علیهم‌السلام

شماره تماس: ۰۲۵-۳۸۸۷۵۱۸۳  
پایگاه اطلاع رسانی مدرسه: karimeqom.whc.ir  
کانال‌های اطلاع رسانی در ایتا و سروش: @karime\_qom  
پست الکترونیک: qom.karimeh@gmail.com



## مناجات تائبین

خدایا خطاها و گناهان لباس خواری بر تنم کرده  
و دوری از تو جامه بیچارگی بر تنم افکنده  
و بزرگ جنایتم دلم را میرانده  
پس تو زنده‌اش کن به بازگشت خودت (بسوی من)  
ای آرزو و مقصودم و ای خواسته و آرمانم  
به عزتت سوگند برای گناهانم جز تو آمرزنده ای نیابم  
و برای شکستگیم جز تو شکسته بندی نبینم  
و من بوسیله آه و ناله کردن بسوی تو  
بدرگهت خاضع گشته و با زاری کردن  
در برابرت خود را به خواری کشاندم  
پس اگر توام از درگاه خویش برانی  
در آن حال به که رو آورم؟  
و اگر توام از نزد خویش  
بازگردانی به که پناه برم؟  
و بس افسوس از شرمندگی  
و رسواییم و ای دریغ از کار بد  
و گناهانی که بدست آورده‌ام  
از تو خواهم ای آمرزنده گناه بزرگ  
و ای شکسته بند استخوان شکسته  
که ببخشی بر من گناهان نابود کننده‌ام را  
و بیوشی بر من کارهای پنهانی رسواکننده را  
و مرا در بازار قیامت از نسیم جان بخش عفو و  
آمرزشت محروم نفرمایی و از لباس زیبای گذشت و  
چشم پوشی خود برهنه‌ام نکنی  
خدایا سایه ابر رحمتت را بر گناهانم بینداز  
و ابر ریزان مهربانی و رأفتت را برای شستشوی  
عیب‌هایم بفرست  
خدایا آیا بنده فراری جز به درگاه مولایش  
به کجا بازگردد یا آیا کسی جز او هست که وی را از خشم او پناه دهد  
معبودا اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود  
پس به عزتت سوگند که براستی من از پشیمانانم  
و اگر آمرزش خواهی از خطا آنرا پاک کند پس براستی من از آمرزش خواهانم



## احتکار یا ابتکار؟؟؟

● سمیه بابائیان



آیت‌الله مرعشی نجفی، هیچ وقت لباس خارجی نمی پوشید، ایشان روزی از خیاطش خواسته بود که با پارچه های تولید داخل برایش لباس بدوزد، آن روزها دکمه در ایران تولید نمی شد و خیاط ها مجبور بودند از دکمه های تولید خارج استفاده کنند، خیاط آقا هم از دکمه خارجی استفاده کرده بود.  
بعد از اینکه لباس را نزد آن عالم بزرگ و بصیر برد، زیر بار استفاده از اجناس خارجی حتی به اندازه دکمه هم نرفتند و به خیاط گفتند: دکمه خارجی است و استدلال‌های خیاط در عدم ساخت دکمه داخل را نپذیرفتند، به همین دلیل خودشان به خیاط یاد دادند چگونه می توان با قیطان دکمه درست کرد و لباس ۱۰۰٪ ایرانی دوخت.



## کربلایی...

تازه طلبه شده بودم با شوقی بسیار و بصیرتی اندک کربلا مشرف شدم، فصل، فصل بهار و هوا تا حدودی مطبوع بود، گرمای سوزان عراق به معنایی واقعی خود شروع نشده بود، همسفران من گروهی از اساتید و کادر مدرسه بودند که پیوسته به من لطف داشتند و تمام سعی و تلاش ایشان بر راحتی من بود، آری مه و خورشید و فلک در کار بودند که سفر، سفر راحتی باشد، اما انگار سفر کربلا بدون سختی غیر ممکن بود، گاهی بسیار گرم بود و گاهی سرد می شد، برق ناگهانی قطع می شد، بهداشت به طور کل

وجود نداشت، به عبارتی کشور بسیار نابسامان بود. هر چند بسیار اذیت شدم ولی مگر می شد از زیارت آقا علیه السلام دل کند، پیوسته در آرزوی صحن و سرای ارباب بودم؛ که به لطف آقا امام حسین علیه السلام زمینه سفر مجدد به کربلا فراهم شد، تصمیم گرفتم مادرم را نیز با خودم کربلا ببرم و تمامی زحمات و سختی هایی که پیش رو بود و با تمام وجود آن را لمس کرده بودم برای ایشان متحمل شوم، چرا که زحمات مادرم که یک عمر برای من سنگ تمام گذاشته بودند مثل کوهی بر دوش

من سنگینی می کرد؛ دوست داشتم کاری در خور زحماتش برایش انجام دهم. سفر کربلا همان چیزی بود که هم سعادت بود و هم در بطن آن سختی نهفته بود؛ شاید می شد تو این مسیر گوشه ای از زحمات مادر را جبران کرد، به هر حال توفیقی بود که با مادر عازم کربلا شوم، این بار حال و هوای دیگری داشتم، نه از زیارت خسته میشدم نه از سختی راه، حس می کردم توانم چند برابر شده و هیچ سختی تو مسیر به چشمم نمی خورد، باورش سخته اما به تمام معنای واقعی کلمه خستگی برای من واژه ای بی معنا شده بود، محال است؛ مگر میشود زائر کربلا سختی نکشد، مگر میشود در سرزمینی که سرتاسر مصیبت و بلا بوده جز راحتی نبینی، چطور ممکن است این بدن خاکی تا این حد توان داشته باشد.

بله وجود مادرم راه را برای من هموار کرده بود، سختی را به راحتی و بالاتر از آن نظر آقا علیه السلام را به من جلب کرده بود، حالا به سهولت می فهمیدم که چرا

خداوند به اطاعت از پدر و مادر تا این حد تأکید داشته است، آری پدر و مادر رسولان الهی اندکه خالصانه تمام وجود خود را فدای فرزندانی می کنند؛ که امانات الهی هستند پس ایمان داشته باشیم، کلید بندگی همان رضایت پدر و مادر است.

اما آیا به این باور رسیده ایم؛ آیا طلبگی ما، راه بندگی را بر ما هموار نموده یا آنکه خود حجاب بندگی شده و راه خدمت به پدر و مادر را برای ما پر فراز و نشیب ساخته است؛ تا جایی که خدمت به آن ها را به آینده ای دور موکول کرده و یاد و خاطر آن ها در لابه لای درس و مشق ماگم شده است.

آری یک طلبه تا زمانی که نتوانسته باشد، خادم خوبی برای والدین خود باشد، نخواهد توانست، به ندای هل من ناصر سالار شهیدان لبیک گفته و برای ولی امر زمانش، جان دهد.

موفق باشید



## چه قصه پرغصه‌ای است انتظار

• زهرا خندان

مگر انتظار جز خشک شدن چشمان به در و سپید شدن گیسو نیست... اگر این بود، چرا هزار و اندی سال است، نیامدی آقا جان!!!  
شاید باید علتش را در جای دیگر جست، آنجا که رسول خوبی‌ها می‌فرمایند: با فضیلت‌ترین جهاد امت من، انتظار فرج است... جهاد و انتظار؟! یعنی یک منتظر باید مجاهد باشد...  
منتظر باید طوری زندگی کند که هر لحظه امکان داشته باشد امامش را ببیند... همان داستان معروف علی بن مهزیار و

دوری از امامش... که بعد از فراغ جانشوز و جهادِ مصرانه اش برای دیدار، آقا جان به او فرمودند: ای ابوالحسن، ما شب و روز منتظر ورودت بودیم، چرا این قدر دیر نزد ما آمدی؟ عرض کردند: آقای من! تاکنون کسی را نیافته بودم که دلیل و راهنمای من به سوی شما باشد.  
فرمودند: آیا کسی را نیافتی که تو را دلالت کند؟! بعد انگشت مبارک را به روی زمین کشیده، سپس فرمودند: نه لکن شماها اموالتان را فزونی بخشیدید، و بر بینوایان از مؤمنین سخت گرفته، آنان را سرگردان و بیچاره کردید، و رابطه خویشتاوندی را در بین خود بریدید (صله رحم انجام ندادید) دیگر شما چه عذری دارید؟  
زمانی می‌توان این امت را منتظر دانست که حواسمان باشد که برای رسیدن به معشوق باید پایداری کرد.  
آقا جانمان! ما برای اثبات عاشقی مان، انقلابی کردیم که در جهان بی‌بدیل بود و توانستیم به همگان اثبات کنیم که دلیل یک انقلاب می‌تواند اقامه‌ی کلمه‌ی توحید باشد... و از آنجاییکه تاریکی توان دیدن نور را ندارد؛ تمام جهان کفر

در مقابلمان ایستادند.

آقا جانمان! جنگی جهانی علیه مان آغاز کردند، که با تقدیم لاله‌هایی چون باکری‌ها، زین‌الدین‌ها، شیرودی‌ها و چمران‌ها، اثبات کردیم که ایمان مان، قدرتمان را زیاد کرده و به پیروزی نظامی در جهان رسیدیم.  
آقا جانمان! همان وقت که در جبهه، گل‌هایمان را پَرپَر کردند، منافقینی پرورش دادند که در شهرهایمان و از پشت بهمان خنجر بزنند، همین شد که رجایی، باهنر، بهشتی... را دادیم اما کمرمان خم نشد، چون مومن تکثیر می‌شود.  
آقا جانمان! آمدند و نیروهای غرب زده را در دستگاه‌های فرهنگیمان قرار دادند تا شبیخون فرهنگی بهمان بزند که با عنایت خدا که ان تطلقنا یصرکم، از دل همین شبیخون امثال حججی‌ها، حسین پورها و سیاهکلی‌ها به وجود آمدند

که به همگان اثبات کردند که ناموس اصلیشان نه خاک بل دینشان است و برای آن جان دادند.  
آقا جان! آمدند در اهواز زدند! ناجوانمردانه زدند، کودک چهارساله را از پشت زدند... داغدارمان کردند اما این خون‌ها، ما را پُرطراوت می‌سازد.  
اما آقا جان! نگرانیم چون خو گرفتیم به رفاه و شکم و الان به خوراکمان حمله کردند و با جنگ رسانه‌ای دارند اعتقادمان را سُست می‌کنند و با ناآگاهی و تجمل‌گرایی برخی مسوولین دارند بدبینمان می‌کنند به این نظام شیعی.  
این وقت هاست ک‌آرزو داریم به دعای خوبان در صحنه‌ی انقلاب، زودتر بیاید که امام سجاد علیه السلام فرمودند: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خدا آفت را از شیعیان ما بزاید و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن سازد.





# گذری بر زمان

• سمیه بابائیان

## ۵ مهر حصر آبادان :

عملیات ثامن الائمه از مهمترین نبردهای دوران دفاع مقدس است که سبب شکسته شدن حصر آبادان و ناکامی رژیم بعث در تصرف این شهر شد. پیروزی در این نبرد با اتحاد و همدلی ملت در سایه ولایت پذیری و پیروی از رهنمون‌های رهبری فرزانه تبلور یافت و از اقتدار، صلابت و ایثار رزمندگان این مرز و بوم حکایت داشت.

## ۸ آبان :

از امام باقر علیه‌السلام، روایت شده است: «امام حسین علیه‌السلام، در کودکی بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله او را در آغوش گرفت و زیر گلوی او را بوسید و بی‌اختیار، اشک از چشمان مبارکش جاری شد. روزی حسین علیه‌السلام پرسید: یا جداه! چرا گریه می‌کنید؟ حضرت فرمود: چرا گریه نکنم، درحالی‌که جای شمشیرهای دشمنان را می‌بوسم»

## ۱۷ آبان شهادت امام رضا(ع)

امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «ای عبدالعظیم، سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو و سوسه‌های شیطانی را به خود راه ندهند و در زندگی راستگو و امانت‌دار باشند. راجع به چیزهایی که برایشان فایده‌ای ندارد سکوت کنند و جدال نکنند. با یکدیگر رفت و آمد نمایند؛ زیرا این عمل موجب تقرب به من می‌شود. حیثیت و آبروی خود را از بین نبرند که هرکس آبروی کسی را بریزد و از این راه یکی از دوستان مرا به غضب آورد، دعا می‌کنم که خدا او را در دنیا و آخرت به عذاب دچار سازد و در آخرت از زیان کاران به شمار آید.»

## ۱۶ آبان :

به حضور امام حسن مجتبی علیه‌السلام آمد و اظهار فقر و حاجت کرد. امام حسن علیه‌السلام دستور داد تا پنجاه هزار درهم، به اضافه پانصد دینار به او بدهند. مرد سائل، حمالی را صدا زد که پول هایش را برایش ببرد. حضرت، پوستین خود را هم داد و فرمود: این را هم به جای کرایه به آن مرد بده.

## ۱۶ آبان :

روزی به آن حضرت خبر دادند که مردم از وقوع مرگ شما اندوهگین و نگرانند. پیامبر در حالی که به فضل بن عباس و علی بن ابی‌طالب (ع) تکیه داده بود به سوی مسجد رهسپار گردید و پس از درود و سپاس پروردگار، فرمود: «به من خبر داده اند شما از مرگ پیامبر خود در هراس هستید. آیا پیش از من، پیامبری بوده است که جاودان باشد؟! آگاه باشید، من به رحمت پروردگار خود خواهم پیوست و شما نیز به رحمت پروردگار خود ملحق خواهید شد.»



## ۲۵ آبان :

### شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام و آغاز امامت امام زمان عجللله

پرسید: «جانشین شما کیست؟» امام داخل اتاقی رفت. وقتی برگشت پسر بچه‌ای روی شانه‌اش بود. موهای سیاه و پیچیده. لب‌های غنچه‌ای قرمز، ابروهای کشیده، شبیه خودش، از او زیباتر ندیده بود. پرسید: «اسمش چیست؟» گفت: «هم اسم جدم رسول الله! ولی او غایب می‌شود، نمی‌بینندش. مثل خضر و ذوالقرنین، مدت زمان زیادی طول می‌کشد. وقتی بیاید آرامش با خودش می‌آورد. زمین را پر از عدل می‌کند، بعد از آن که ظلم همه‌جا را گرفته باشد»

## ۲۷ آذر : وفات حضرت معصومه (س)

امام صادق علیه‌السلام فرمود: زمانی که رنج و زحمت و گرفتاری به شما رو آورد، به قم روی آورید، زیرا قم پناهگاه فاطمی‌ها و محل آسایش مؤمنان است.

## ۴ آذر :

یوسف، در مکه زندگی می‌کرد. او یهودی بود. شبی مشاهده کرد ستارگان، وضع طبیعی خود را از دست داده اند. با خود گفت: باید در این شب پیغمبری متولد شده باشد. در کتابی خوانده‌ام؛ هر گاه پیغمبر آخر الزمان متولد شود، شیاطین از رفتن به آسمان‌ها ممنوع می‌شوند.

یوسف، صبح هنگام در اجتماع قریش حاضر شد و پرسید: آیا در خانواده‌های شما فرزندی متولد شده است؟! گفتند: آری دیشب برای عبد الله بن عبد المطلب پسری متولد شده است.





## شهیدی که خیلی‌ها نمی‌شناختندش ولی او از اولیاء الله بود...

• زهرا ساکی

شهیدی که خیلی‌ها نمی‌شناختندش ولی او از اولیاء الله بود: یکی از دوستان شهید نیری نقل می‌کرد که: یک بار با احمد آقا و بچه‌های مسجد عین الدوله به زیارت قم و جمکران رفتیم. در مسجد جمکران پس از اقامه نماز به سمت اتوبوس برگشتیم. ایشان هم مثل ما خیلی عادی برگشت. راننده گفت: اگر می‌خواهید سوهان بخرید یا جایی بروید و، یک ساعت وقت دارید.

ماهم راه افتادیم به سمت مغازه‌ها یک دفعه دیدم احمد آقا از سمت پشت مسجد به سمت بیابان شروع به حرکت کرد! یکی از رفقایم را صدا کردم گفتم: به نظرت احمد آقا کجا می‌ره؟!

دنبالش راه افتادیم. آهسته شروع به تعقیب او کردیم! آن زمان مثل حالا نبود. حیاط آن بسیار کوچک و تاریک بود. احمد جایی رفت که اطراف او خیلی تاریک شده بود. ما هم به دنبالش بودیم.

هیچ سر و صدایی از سمت ما نمی‌آمد. یک دفعه احمد اقا برگشت و گفت: چرا دنبال من می‌آید؟!

جا خوردیم. گفتیم: شما پشت سرت رو می‌بینی؟ چطور متوجه شدی؟ احمد آقا گفت: کار خوبی نکردید. برگردید.

گفتیم: نمی‌شه، ما با شما رفیقیم. هر جا بری ما هم میایم. در ثانی اینجا تاریک و خطرناکه، یک وقت کسی، حیوانی، چیزی به شما حمله می‌کنه گفت خواهش می‌کنم برگردید. ما هم گفتیم: نه، تا نگی کجا می‌ری ما بر نمی‌گردیم! دوباره اصرار کرد و ما هم جواب قبلی سرش را انداخت پایین. با خودم گفتم: حتما تو دلش داره مارو دعا می‌کنه!

بعد نگاهش را در آن تاریکی به صورت ما انداخت و گفت: طاقتش رو دارید؟ می‌تونید با من بیایید؟!

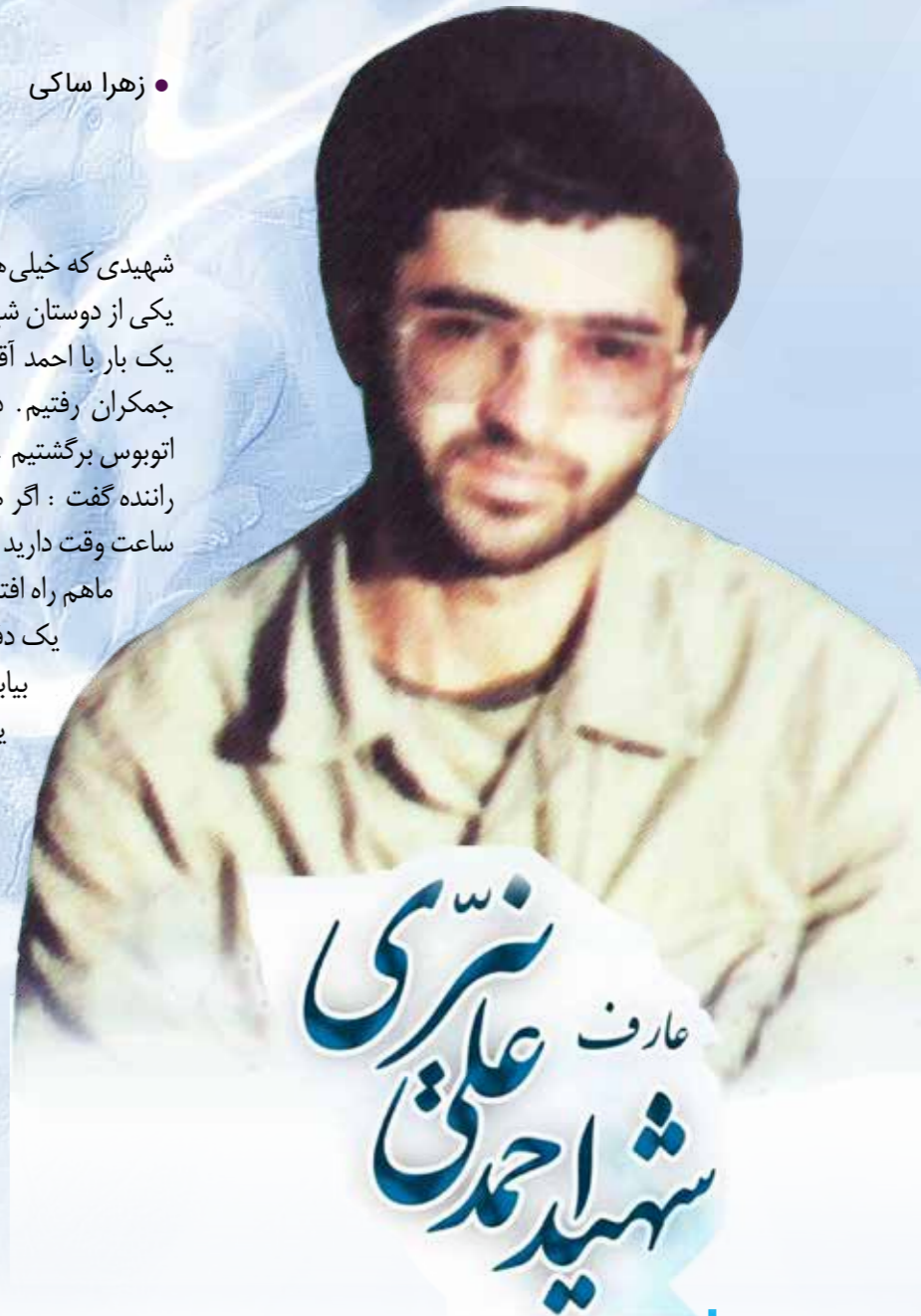
ما هم که از همه ی احوالات احمد آقا بی‌خبر بودیم گفتیم: طاقت چی رو، مگه کجا می‌خوای بری؟!

نفسی کشید و گفت: دارم می‌رم دست بوسی مولا. باور کنید تا این حرف را زد زانوهای ما شل شد. ترسیده بودیم. من بدنم لرزید.

احمد آقا این رو گفت و برگشت و به راهش ادامه داد. همین طور که از ما دور می‌شد گفت: اگه دوست دارید بیاید بسم الله.

نمی‌دانید چه حالی بود. شاید الان با خودم می‌گویم ای

کاش می‌رفتی اما آن لحظه وحشت وجود ما را گرفته بود. با ترس و لرز برگشتیم. ساعتی بعد دیدیم احمد آقا از دور به سمت اتوبوس می‌آید. چهره‌اش برافروخته بود. با کسی حرف نزد و سرجایش نشست. از آن روز سعی کردم بیشتر مراقب اعمالم باشم. بار دیگر شبیه این ماجرا در حرم حضرت عبدالعظیم پیش آمد.





## گام های پژوهش

• زینب رضایی

### گام اول: مقاله

#### عنوان مقاله:

پختگی عنوان، حاکی از توان علمی نویسنده و عنوان نامناسب ارزش مقاله را کم می‌کند. این عنوان ناظر به مسأله تحقیق و پرسش اصلی است. همچنین پوشش دهنده ی واژگان کلیدی است. پس باید گویا و رسا باشد، در عین حال اختصار عنوان، یک امتیاز است و کلمات باید بین سه تا هشت کلمه باشد. عنوان نباید اعم یا اخص از محتوای مقاله یا از روی تعصب باشد. زمان انتخاب عنوان می‌تواند در ابتدا و یا تکمیل یا در حین کار یا پس از تکمیل و در انتها باشد و تا آخرین مراحل امکان تعویض داشته باشد. از عناوین کلیشه ای باید پرهیز شود و در مقالات علمی، عنوان باید علمی و به دور از صنایع ادبی و ابهام‌آمیز باشد.

#### چکیده مقاله:

نتایج علمی بدست آمده را باز می‌نماید و باید از زبان خود پژوهشگر (نه نقل قول) به صورت فعل ماضی آورده شود. در چکیده بهتر است در چکیده باید با استفاده از کلمات متن، عصاره مقاله را در ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه آورده شود. آن خلاصه جامعی از محتوای یک گزارش پژوهشی است که هدف‌ها، پرسش‌ها، روش‌ها و یافته‌های پژوهش را به اختصار دارد و این آیین پژوهش است و مخاطب را تحریص و تشویق به خواندن می‌کند. اجزای چکیده شامل دلایل نگارش و بیان مسئله و مشکلی است که در مقاله مورد توجه قرار گرفته و نظرهای مختلف پیرامون آن بررسی شده و ادله‌ها و

شواهد کافی در همان راستا بررسی و کلمات کلیدی هم بیاید. چکیده غیر از فهرست یا مقدمه است و جزئی از محتوای مقاله و اجمالی از مطالب تفصیلی آن است و از طریق مطالعه فهرست مطالب، مقدمه و نتایج نوشته می‌شود. در چکیده لازم نیست به منابع و مأخذ، ارجاعی انجام شود و از بیان خطابی، مثال و توضیح مفاهیم پرهیز می‌شود. برای مهارت افزایی در این رابطه، بهتر است چکیده مقالات علمی مطالعه و مرور شود تا الگویی فرا راه محققان باشد. چکیده در حقیقت بخش کامل، جامع و مستقل از اصل گزارش است پس نباید پیش از گزارش پژوهش تهیه شود.

#### آسیب‌های چکیده نویسی:

**تبدیل چکیده به فهرست:** چکیده هرگز مروری بر مباحث اثر تحقیقی و رساله نیست، بنابراین نباید آن را با گزارش فهرست اثر اشتباه گرفت.

**تبدیل چکیده به طرح مسئله:** برخی از افراد، در چکیده به شرح و تفصیل موضوع پایان نامه، مسائل آن و ضرورت بحث از مسئله می‌پردازند که نادرست است. البته بیان اجمالی مسئله نیز از مباحث چکیده است، اما سهم آن متناسب با سهم حجم چکیده است، نه اینکه اهم مطالب چکیده بر محور بیان مسئله بنا شده باشد.

ارجاع به مأخذ: پرداختن به معرفی منابع و مأخذ در چکیده نیز، نادرست است.

**بیان خطابی:** ادبیات چکیده باید همانند ادبیات رساله یا مقاله باشد. در واقع، استفاده از بیان شعارگونه، عبارت‌پردازی خطابه در شأن رساله و مقاله علمی نیست.



# مباحث خانواده

• ناهید موحدی

## آیه ۱

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ...»<sup>۱</sup>

«و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به هنگام بارداری، هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد و دوران شیرخوارگی او تا دو سال طول می‌کشید...»

نکته

آیه شریفه به انسان سفارش می‌کند تا گذشته‌ها را فراموش نکند و همواره به یاد زحمات مادرش باشد که برای آسایش او از خواب و خوراک خود صرف‌نظر کرد.<sup>۲</sup>

۱. سوره لقمان، آیه ۱۴.  
۲. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰.

## آیه ۲

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا...»<sup>۳</sup>

«و ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش او را با سختی حمل می‌کند و با تحمل رنج، او را به دنیا می‌آورد.»

## آیه ۳

«وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»

«و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبار و شقی [زورگو و نافرمان] قرار نداده است!»<sup>۴</sup>

نکته‌ها

۱. «مادر»، بزرگ‌ترین ایثار و فداکاری را هم از نظر عاطفی و جسمی و هم از جهت خدمات در مورد فرزندش انجام می‌دهد.<sup>۴</sup>  
۲. پدر نیز برای کودک خود زحمت می‌کشد، اما زحمات اساسی و طاقت‌فرسا را مادر تحمل می‌کند تا کودک به سن بلوغ و بالاتر برسد و از این رو سپاسگزاری از او بیش‌تر لازم است.<sup>۵</sup>  
۳. هر قدر انسان در راه جبران زحمات مادر بکوشد؛ باز هم بدهکار است.<sup>۶</sup>

۳. سوره احقاف، آیه ۱۵.  
۴. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۹.  
۵. تفسیر قرآن مهر، ج ۱۹، ص ۱۰۴.  
۶. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۸.

پیام

نیکی به مادر، از اخلاق انبیاست.<sup>۸</sup>

۷. سوره مریم، آیه ۳۲.  
۸. تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۶۳.



الإمام الصادق (ع)، : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص): فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَبْرُؤُ؟ قَالَ: أُمَّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمَّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمَّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمَّكَ.

امام صادق(ع): مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به پدرت.<sup>۱</sup>

## روایت ۲

رسولُ الله (ص): «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.»<sup>۲</sup> پیامبر خدا (ص): بهشت، زیر پای مادران است.

۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۵۹ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۱۷۲؛ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۶۰.  
۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰ با اندکی تفاوت در روایتی دیگر به این صورت آمده است: عن فاطمة علیها السلام: أَلَزَمَ رَجُلَهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا - یعنی الوالدة - (عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱، ص ۹۱۰)



## پند و حکایت

### شوق دیدار پیامبر(ع)

هنگامی که اویس در یمن بود، شتربانی می‌کرد، او سرپرست مادر پیرش هم بود. با اینکه علاقه شدیدی به رسول خدا(ص) داشت، ولی نتوانسته بود پیامبر را از نزدیک زیارت کند. در یکی از روزها که شوق دیدار پیامبر خدا در وجودش به شدت شعله‌ور شد، از مادرش اجازه خواست تا به سرزمین حجاز رفته و حضرت رسول(ص) را زیارت کند. مادر به او گفت: پسر من! برو ولی اگر پیامبر در مدینه نبود، بیشتر از نصف روز در آنجا نمان!

اویس با زحمت فراوان از یمن به مدینه رفت و به شهر پیامبر رسید؛ اما شنید که پیامبر در شهر مدینه حضور ندارد، او بسیار ناراحت شد به مسلمانان حاضر در مدینه گفت: سلام مرا به حضرت برسانید و بگویید که مردی به نام اویس از یمن به زیارت شما آمده بود و چون از مادر خود اجازه ماندن بیشتری نداشت، باکمال ناراحتی به وطن خود برگشت.

بعد از مدتی، پیامبر به خانه بازگشت و فرمود: «تَفُوْحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَاشْوَقَاهُ إِلَيْكَ يَا أَوْيسَ الْقَرْنِيُّ أَلَا وَ مَنْ لَعِيْبُهُ فَلْيَقْرَبْهُ مِنِّْي السَّلَامُ؛ نسیم بهشتی از سوی منطقه قَرْن می‌وزد، آه! ای اویس قرنی! چقدر به دیدار تو مشتاقم، ای مسلمانان! هر کس او را دید سلام مرا به او برساند».<sup>۱</sup>

قدر و جاهی را که در اسلام دارا شد اویس از کمال طاعت و خدمت برای مادر است امر او را داد رجحان بر ملاقات نبی چون رضای مصطفی هم در رضای مادر است.<sup>۲</sup>

### رهایی از زندان:

دایه امام صادق(ع)، به محضر ایشان رسید و گفت: «به فریادم برس ای مولای من! فرزندم اسیر منصور دوانقی (خلیفه عباسی) است؛ کمک کن تا فرزندم از شر او نجات یابد.»



امام صادق(ع)، عملی<sup>۳</sup> را یاد داد تا در نیمه رجب انجام دهد و از خداوند متعال بخواهد که فرزندش را از زندان و شکنجه دومین خلیفه عباسی نجات دهد.

چیزی نگذشت که داوود از زندان منصور در عراق رهایی یافت و نزد مادر خود، در مدینه حاضر شد. داوود به همراه مادرش، برای تشکر به محضر امام صادق(ع)، رفتند. امام صادق(ع)، به او فرمود: همان شبی که مادرت آن دعاها را خواند، منصور دوانقی، امیر مؤمنان علی(ع)، را در خواب دید و آن حضرت به منصور فرمود: فرزندم را آزاد کن و آلا تو را در آتش می‌اندازم. منصور، پایین پای خود را نگاه کرد و دید پر از آتش شعله‌ور است. از خواب بیدار شد و بدنش به لرزه در آمد و در همان حال دستور آزادی تو را صادر کرد.<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵۵ الفضائل، ص ۱۰۷.

۲. مؤید.

۳. این عمل، به «عمل ام داوود» مشهور است.

۴. خوش رفتاری با پدر و مادر، ص ۱۷۸ به نقل از: ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۳۸۹.



## ولایت فقیه در دو دقیقه

• طیبه بابائیان

مرگ بر دیکتاتور شعاری است که عده ای در اغتشاشات خیابانی و با اهداف از پیش تعیین شده و با هدایت خاص بر زبان می آورند. شاید این مطلع کلام برای عده ای تلخ و زنده باشد و یا نه، با توجه به اوضاع پیچیده و سخت اقتصادی-اجتماعی موجود، برای

عده ای سوال بر انگیز باشد. حتماً با خود اندیشیده اید و یا لا اقل از دیگران شنیده اید، با اوضاع دشوار کشور، چرا رهبری کاری نمی کند؟

اصلاً فرق دیکتاتور و ولایت فقیه چیست؟ کشورهای دیگر که سیستم ولایت فقیه در آنها حاکم نیست، بسیار پیشرفته تر از ایران هستند، پس کارکرد ولایت فقیه چیست؟

برای یافتن سوال های بالا باید قدری صبور باشید؛ ابتدا باید دید اصلاً ولایت فقیه یعنی چه؟

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه می فرماید: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می شود و چندان برهان نیاز ندارد.»

در نگاه اول و با توجه به سوالاتی که در ابتدا مطرح شد به نظر می رسد، این جمله قدری سنگین می باشد، اما در ادامه یک نگاه گذرا بر قوانین اسلام خواهیم داشت که امام به گزاف این جمله را به کار نبرده اند.

برای ادامه یک جامعه و هدایت مردم به سمت کمال، دو چیز قطعی و اجتناب ناپذیر است. یکی قانون خوب و دیگری قوه مجریه ای لایق که بتواند این قانون را به مرحله اجرا بگذارد. و این دو لازم و ملزوم اند.

به طوری که یک قانون خوب رچقدر هم حکیمانه و عالمانه و دقیق نوشته شده باشد، اگر قوه مجریه شایسته وجود نداشته باشد که آن را عملیاتی کند، این قانون کارایی نخواهد داشت و بالعکس؛ اگر یک مجری قانون لایق، مدیر و مدبر وجود داشته باشد اما دستش از قانون خوب و متقن خالی باشد کاری از پیش نمی برد. پس آنچه که متضمن پیشبرد معنوی آحاد جامعه است، همانا وجود یک قانون خوب و یک مجری مقتدر و دانا و شجاع است.

از سویی دیگر می دانیم که قرآن کریم یک قانون جامع و حکیمانه است که در آن عالی ترین قوانین الهی به نحوی عادلانه و عالمانه برای هدایت بشر وضع شده اند. این قوانین در زمان حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به وسیله شخص ایشان به مرحله اجرا در می آمدند، به نحوی که خود حضرت رجم می کردند، حد می زدند و فرمان جهاد می دادند و همه این موارد در سایه تشکیل حکومت به فرماندهی شخص ایشان بود.

اهمیت قوه مجریه و به تعبیری دیگر حاکم و زعیم به قدری است که خداوند ضمن نازل کردن آیه ۱۶۷ سوره مبارکه مائده، عدم ابلاغ حکم جانشینی پس از خود را مرادف با عدم اتمام رسالت و بلکه انجام ندادن آن می داند، یعنی این دو همسنگ

یکدیگرند، که اگر غیر از این بود حضرت رسول (ص) هم آنچه را که از قوانین و احکام مورد نیاز بشریت بود را می نوشتند و می فرمودند: پس از این مهم نیست زعیم چه کسی باشد بلکه همین قوانین برای شما کافی و وافی است.

تا به اینجا اهمیت حاکم جامعه مشخص شد، حال باید دید که تعیین جانشین و حاکم جامعه اسلامی و ضرورت وجود آن، مختص به زمان حیات حضرات معصومین علیهم السلام بوده و بس؟ آیا پس از غیبت امام معصوم، احکام اسلام باید تعطیل شود؟ اگر چنین است حکم جاودانگی اسلام چه می شود؟ آیا عقل سلیم می گوید که چون امام معصوم حضور ندارند باید به طور کلی قوانین اسلام و حاکمیت جامعه را کنار گذاشت؟

جواب قطعاً خیر است. چرا که عقل گواهی می دهد که در صورت نبود امام معصوم باید به یک مرحله پایین تر از آن رجوع کرد، نه اینکه به طور کلی آن را منتفی دانست یعنی اگرچه معصوم غایب هستند ولی می توان به ولی فقیه که قدرت تفقه و استنباط احکام را داشته و عامل به احکام اسلام بوده و از طرفی مدیر و مدبر و آشنا به مسائل و مصالح مسلمین و مبنای دشمن شناسی، بوده مراجعه کرد.

در قسمت های بعد به سوالاتی که ابتدای بحث مطرح شده تا حد توان پاسخ داده می شود.



## گوشت به عوض کبوتران حرم

• فاطمه سلطانی

فاضل دربندی از شخص که از طلاب صحن امام حسین علیه السلام بود نقل می‌کند که: مدتی زندگی بر من سخت شده بود، به گونه ای که قدرت مالی نداشتم مقداری گوشت بخرم و از بوی گوشتی که از منزل همسایه به مشام می‌رسید می‌لرزیدم. با خود خیال کردم که این کبوترها که در صحن و توابع آن می‌باشند کبوتران صحرائی هستند و مالکی ندارند؛ پس می‌شود آنها را صید نمود. از این جهت ریسمان به در حجره بستم و وقتی کبوتری طبق عادت داخل می‌شد در را می‌بستم و آن را می‌گرفتم و بعد از سر بریدن آن را زیر ظرفی می‌گذاشتم که بعد بیزم و بخورم. ظهر آن روز در خواب قیلوله خود، مولا و سرورم سید الشهدا را دیدم که غضبناک و خشمگین بر من نگریست و فرمود: چرا کبوتر را گرفتی و کشتی؟ من از خجالت سر به زیر افکندم و جواب ندادم. حضرت فرمودن تو را می‌گویم! چرا کبوتر را گرفتی و کشتی؟ من باز سکوت کردم. فرمود:

دلت گوشت می‌خواست که این کار را کردی؛ دیگر این کار را مکن. من روزی یک وقیه گوشت به تو می‌دهم. این فرمود و من از خواب بیدار شدم، به طوری که از نهایت خجالت لرزان و هراسان بودم و از عمل خود نادم و پشیمان. پس برخاستم و وضو گرفتم و به حرم امام حسین علیه السلام رفتم و نماز ظهر و عصر را بعد از زیارت انجام دادم. و از عمل خود توبه نمودم و بعد از آن به قصد روضه عباسیه از حرم خارج شدم. از بازار می‌گذشتم که عبورم بر در دکان قصابی افتاد که ناگهان قصاب مرا صدا زد و من اعتنایی نکردم.

از دیگر صدا زد: گفتم: چه خواهی؟

گفت: بیا گوشت بگیر. گفتم: نمی‌خواهم. گفت: چرا؟

گفتم: پول ندارم. گفت: از تو پول نمی‌خواهم، بیا و روزی یک وقیه گوشت ببر و مال امروز را هم حالا بگیر. سپس به اندازه یک وقیه کشیده و به من داد و تأکید نمود که در روزهای آینده هم حتما بروم. من گوشت را گرفتم، عازم منزل شدم. وقتی به منزل رسیدم آن را پختم و چون زیاد بود حجره همسایه را نیز دعوت نمودم و با یکدیگر خوردیم و به او گفتم: شخصی روزی یک وقیه گوشت قرار است به

من بدهد و آن برای من زیاد است.

گفت: تو گوشت را بیاور و من نان و سایر مخارج پختن آن را تحمل می‌کنم و با یکدیگر می‌خوریم.

قبول کردم و مدتی به همین منوال گذشت که آن شخص قصاب گوشت را می‌داد و من و همسایه نیز با هم می‌خوردیم. تا اینکه هوای بلاد عجم به سرم زد و با خود گفتم: سهمیه یک سال مقرری گوشت خود را که یکصد و دوازده و نیم من تبریزی می‌شود می‌فروشم و خرج راه خود می‌کنم. بعد از پیدا نمودن مشتری او را نزد قصاب بردم و به قصاب گفتم: سهمیه یکسال گوشت مرا به این شخص بده.

وقتی که قصاب این سخن را شنید، خندید و گفت: آن کسی که به من امر نموده، فرمود که این مقدار گوشت را به تو بدهم و من به غیر از تو نمی‌دهم.

هنگامی که این سخن از شنیدم، آه سردی

از دل پر درد کشیدم و برگشتم.

چون شب شد ناراحت و در حال تفکر به این مسأله خوابیدم. در خواب مولایم حضرت سید الشهدا را در خواب دیدم. به من نگریست و فرمود: خیال عجم رفتن به ذهنت رسیده است؟ من جوابی نگفتم و سر خود را به زیر انداختم. سپس فرمود: خوب، خود دانی اگر در اینجا بمانی نان و ماستی پیدا می‌شود. این را فرمود و برفت. از خواب بیدار شدم و از عمل خود نادم بودم که چرا با دست خود عطای آن بزرگوار را قطع نمودم.





# عُلما

• زهرا ساکی



علامه طباطبایی رحمه الله

علامه طباطبایی رحمه الله در زمینه مکاشفات خود حکایت می‌کند که: « من در نجف که بودم، هزینه زندگی‌ام از تبریز می‌رسید، دو سه ماه تأخیر افتاد و هر چه پس‌انداز داشتم خرج کردم و کارم به استیصال کشید. روزی در منزل نشسته بودم و کتابم روی میز بود، مطالب هم خیلی باریک و حساس بود، در درک این مطالب، دقیق شده بودم، ناگهان فکر رزق و روزی و مخارج زندگی افکار مرا پاره کرد و با خود گفتم تا کی می‌توانی بدون پول زندگی کنی؟ به محض اینکه مطلب علمی کنار رفت و این فکر [تهیه رزق و روزی] به نظرم رسید، شنیدم که، کسی محکم در خانه را می‌کوبد، بلند شدم، رفتم، در را باز کردم و با مردی مواجه شدم، که دارای محاسن حنایی و قدی بلند بود و دستاری بر سر بسته بود که، نه شبیه عمامه بود و نه شبیه مولوی، دستار خاصی بود، با فرم مخصوص. به محض اینکه در باز شد، ایشان به من سلام کرد، گفتم: علیکم السلام. گفت: من شاه حسین ولی هستم، و خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: در این هجده سال (منظور از سالی که معمم شدم و به لباس خدمتگزاری دین درآمدم) کی تو را گرسنه گذاشتم که، درس و مطالعه را رها کردی و به فکر روزی افتادی؟ خداحافظ شما!

من هم در را بستم و آمدم، پشت میز مطالعه نشستم، آن وقت تازه سرم را از روی دستم برداشتم، و یک دفعه سؤالی برای من پیش آمد و اینکه آیا من با پاهایم رفتم دم در و برگشتم؟! اگر اینجور بود، پس چرا الآن سرم را از روی دستم برداشتم؟! و یا خواب بودم، ولی اطمینان داشتم که، خواب نبودم، بیدار بودم. معلوم شد که، یک «حالت کشفی» برای من رخ داده بود.

شیخ انصاری رحمه الله

یکی از شاگردان شیخ انصاری رحمه الله نقل می‌کند که: نیمه شبی در کربلا، از خانه بیرون آمدم، در حالی که کوچه‌ها گل آلود و تاریک بودند، من چراغی با خود برداشته بودم، از دور شخصی را مشاهده کردم، او را نمی‌شناختم، چون به او نزدیک شدم دیدم، استادم شیخ انصاری رحمه الله است. با دیدن ایشان به فکر فرو رفتم و از خود پرسیدم که، آن بزرگوار در این موقع از شب، در این کوچه‌های گل آلود با چشم ضعیف به کجا می‌روند؟

از بیم آنکه می‌اداکسی در کمین ایشان باشد، آهسته به دنبالش حرکت کردم، شیخ آمد و آمد تا در کنار خانه ای ایستاد و در کنار در آن خانه زیارت جامعه را با یک توجه خاصی خواند، سپس داخل شد، من دیگر چیزی نمی‌دیدم اما صدای شیخ را می‌شنیدم که با کسی سخن می‌گفت. ساعتی بعد به حرم مطهر مشرف گشتم و شیخ را در آنجا دیدم، بعدها که به خدمت آن جناب رسیدم و داستان آن شب را جویا شدم پس از اصرار زیاد به من، فرمودند: گاهی برای رسیدن به خدمت امام عصر عجل الله تعالی اجازة پیدا می‌کنم و در کنار آن خانه (که تو آن را پیدانخواهی کرد) می‌روم و زیارت جامعه را می‌خوانم. چنانچه اجازة ثانوی برسد. خدمت آن حضرت شرفیاب می‌شوم و مطالب لازم را از آن سرور می‌پرسم و یاری می‌خواهم و بر می‌گردم؛ سپس شیخ رحمه الله از من پیمان گرفت که تا هنگام حیاتش این مطلب را برای کسی اظهار نکنم.

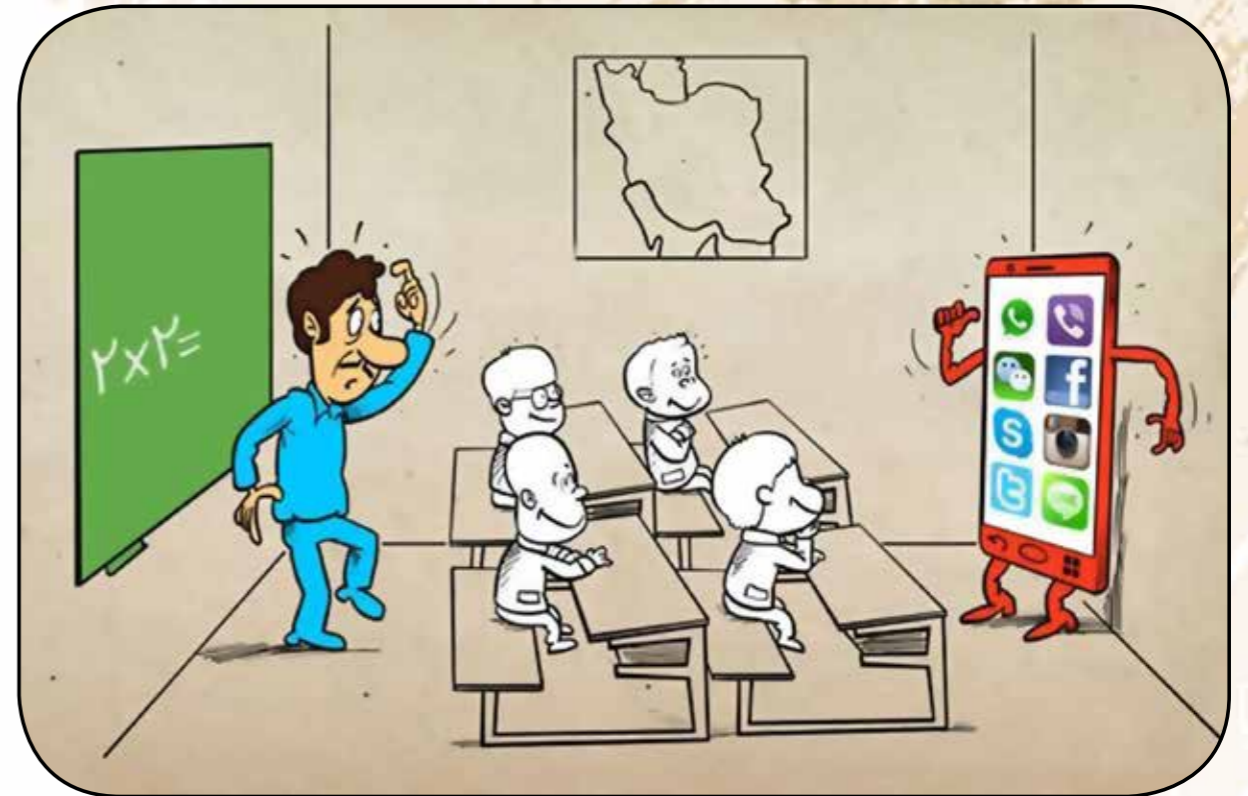
منبع: کتاب ملاقات با امام زمان (عج)





## تصویر: مفاسد فضای مجازی

• تصاویر برگرفته از فضای مجازی!





# رسانه ؛ سلاح جنگ روانی

• استاد دیلمقانی



یکی از ابزار مورد استفاده کشورهای توسعه یافته و یا آن گروه از دولت‌ها که با هم تخصصاتی دارند ، تبلیغ و استفاده راهبردی از آن برای دستیابی به اهداف خود و منزوی کردن کشور مقابل است ، به همین دلیل امروز دستگاه‌های تبلیغاتی و سیاسی در شرایطی قرار گرفته‌اند که عملیات آنها با عنوان جنگ‌های روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد .

امروزه این نوع جنگ از کارآمدترین ، پویاترین و در عین حال خطرناک‌ترین جنگ‌ها محسوب می‌شود ، کشورهای جهان تلاش دارند تا با آماده سازی سیستم‌ها ، امکانات و نیروی انسانی خود با پیشرفته‌ترین و پیچیده ترین ابزار و تجهیزات به رویارویی و نیز خنثی سازی جنگ‌های روانی بپردازند .

در دنیای امروز ، جنگ‌های روانی به عنوان حربه‌ای برای تسلط بر افکار عمومی به کار می‌رود ، هرچند که این نوع جنگ‌ها به عواملی بستگی دارد و تا کشور یا ملتی آمادگی پذیرش بحران را نداشته باشد ، تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرد

هنگامی که در جامعه درباره جنگ روانی سخن گفته می شود ، اگر افراد تصویری آمیخته با شعبده بازی و تردستی از آن نداشته باشند ، دست کم آنرا بر مبنای تجربه‌ها و خوانده‌ها و شنیده‌های تاریخی خود درک می‌کنند که آن هم نمونه‌های ساده و سنتی هستند .

با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و گسترش روابط بین‌الملل ، تأثیر تبلیغات و عملیات روانی بر فرهنگها و نگرش‌های اجتماعی کاملاً ملموس بوده و به عنوان حربه‌ای برای تغییر افکار عمومی مورد استفاده قرار گرفته است . به همین منظور کشورهایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند اکنون از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند . این در حالی است که جوامعی که به علل گوناگون کاستیهایی در زمینه های مادی و معنوی دارند آسیب‌پذیرتر بوده و مورد هجوم تبلیغاتی کشورهای توسعه یافته قرار می‌گیرند .

ولی اقدامات سایر دولت ها در بروز این بحران‌ها را نباید نادیده گرفت .

وقتی جامعه‌ای بی‌ثبات شده و انسجام اجتماعی در آن ضعیف گردید ، میل به تغییر در آن تشدید می‌شود و همین وضع فرصتی پیش می‌آورد تا افکار تازه در آن جامعه تقویت شود .

در این شرایط ، به کارگیری جنگ روانی و در برخی موارد ، استفاده همزمان از نیروهای مسلح سرعت تغییر و پذیرش رادو چندان خواهد کرد . به همین منظور ، آمادگی ذهنی و روانی و شکستن مقاومت فکری یک جامعه برای نفوذ در آن چه توسط دولت خودی یا دولت بیگانه ضروری‌ترین عامل پیروزی در یک جنگ روانی است . البته عوامل ذهنی و عینی و محیطی که بدون آن‌ها جامعه فاقد هویت اجتماعی است نیز می‌تواند منشا بروز اختلافات و جنگ‌های روانی و نظامی باشد .

موفقیت در جنگ‌های روانی تنها منوط به این عوامل نیست ، بلکه بایستی به مدیریت برنامه‌ریزی و کارایی و اثربخشی آنها نیز توجه داشت ، زیرا موفقیت در جنگ روانی در سایه طراحی و برنامه‌ریزی دقیق بدست می‌آید .

جنگ روانی که بر پایه تبلیغات استوار است ، از خطرناک‌ترین و مخرب ترین نوع جنگ‌هاست . چراکه اندیشه ، بینش ، عقل و در نهایت رفتار نیروهای درگیر و یا مخاطبان را مورد هدف قرار می‌دهد . جنگ روانی در جهان امروز چهره‌های بسیار پیچیده به خود گرفته ، به گونه‌ای که جزئی از فعالیت‌های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف گشته و سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی در سطح ملی ، منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از شیوه‌های روانی گوناگون نقش اساسی در هدایت و کنترل آن به عهده دارند .





## چگونه همسری باشم؟

• سیده زهرا امامی

گره می خواهی رضای کردگار رو رضای والدین را گوش دار چون دل ایشان ز تو خشنود شد گردی اندر آخرت خوش رستگار

مردی چهار پسر داشت. هنگامی که در بستر بیماری افتاد، یکی از پسرها به برادرانش گفت: «یا شما مواظب پدر باشید و از او ارثی نبرید، یا من پرستاری اش می کنم و از مال او چیزی نمی خواهم؟!» برادران با خوش حالی نگره داری از پدر را به عهده او گذاشتند و رفتند. پس از مدتی پدر مُرد. شبی پسر در خواب دید که به او می گویند در فلان جا، صد دینار است، برو آن را بردار، اما بدان که در آن خیر و برکتی نیست. پسر سراغ پول ها نرفت. دو شب بعد هم همان خواب ها تکرار شد تا آن که در شب سوم خواب دید که می گویند، در فلان مکان یک درهم است. آن را بردار که پر خیر و برکت است.

پسر صبح از خواب برخاست و همان جایی که خواب دیده بود، رفت و یک درهم را برداشت. در راه با آن دو ماهی خرید. هنگامی که شکم آن ها را پاره کرد، در شکم هر کدام یک دُر یافت. یکی از دُرها را به درگاه سلطان برد. پادشاه که از آن خوشش آمده بود، پول زیادی به پسر داد و گفت: «اگر لنگه دیگر آن را بیآوری، پول بیش تری می گیری» پسر دُر دیگر را نیز به قصر شاه برد. سلطان با دیدن دُر به وعده اش عمل کرد و پسر به برکت احترام به پدرش از ثروت مندترین مردان روزگار شد.

خداوند متعالی در چهار سوره از قرآن مجید، بلافاصله بعد از مسئله توحید، بر نیکی به والدین تأکید کرده است. این مسئله، بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. با اینکه نعمت خداوند بیشتر از آن اندازه است که قابل شماره باشد، شکرگزاری در برابر پدر و مادر را در ردیف شکرگزاری در برابر نعمت های خود قرار داده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «اگر چیزی کمتر از آف وجود داشت، خداوند در قرآن کریم از آن نهی می کرد و این حداقل مخالفت و بی احترامی به پدر و مادر است. همچنین یکی از ابعاد عاق والدین، نگاه تند و غضب آلود به پدر و مادر است» پیامبر اکرم (ص): کسی که دوست دارد عمرش طولانی و روزیش زیاد شود، نسبت به پدر و مادرش نیکی کند و صلّه رحم بجای آورد.

## حق مادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حق پدر این است که از او در طول زندگی اطاعت کنی و اما حق مادر را هرگز نمی توانی ادا کنی. حتی اگر به تعداد شن های بیابان و قطره های باران، روزها در خدمتش بایستی، تنها به جای زحمات طاقت فرسای دوران بارداری او نخواهد بود». شخصی به پیامبر از کج خلقی مادر شکایت کرد، حضرت فرمود: «او در آن نه ماه که بار تو را تحمل می کرد و آن دو سال که تو را شیر داد و شب هایی که بیداری کشید و روزهایی که برای تو تحمل تشنگی کرد، کج خلق نبود». مرد گفت: من جزای زحماتش را پرداخته ام و او را دوبار بر دوش گرفته و به حج برده ام. حضرت فرمود: «حتی جزای یک ناله او را هنگام وضع حمل نپرداخته ای» شخصیت های بزرگ جهان، عمده موفقیت خود را مرهون مادرانی هستند که به وظایف خطیر خود عمل کرده اند. نابغه بزرگ اسلام، شیخ مرتضی انصاری رحمه الله در مرگ مادر بزرگوارش به شدت گریه می کرد و کنار جنازه او اشک تأثر می ریخت. یکی از شاگردان فاضلش به وی گفت: شایسته نیست شما با این مقام علمی، برای درگذشت پیرزنی این طور اشک بریزید و بی تابی کنید. آن مرد بزرگ سر برداشت و گفت: «گویا شما هنوز به مقام ارجمند مادر واقف نیستید. تربیت صحیح و زحمات فراوان این مادر، مرا به این مقام رسانید». زحمات و کوشش های خردمندانه یک مادر، می تواند فرزندی بیپرورد که تحولی در جهان بشریت به وجود آورد.



## کاشت ناخن

این روزها در دنیای مد، کاشت در بین خانم ها بسیار رواج پیدا کرده ...

### شیوه کاشت ناخن

برای این کار غالباً بیشتر قطر سطح ناخن طبیعی به وسیله سوهان برداشته می شود تا جا برای قرار گرفتن موادی که برای کاشت استفاده می شود فراهم گشته و کار شکل طبیعی به خود بگیرد؛ زیرا با کمتر شدن برجستگی ناخن اصلی، ناخن مصنوعی شباهت بیشتری به شکل طبیعی آن پیدا می کند. سرانجام موادی که در عمل کاشت بکار رفته است، با بر طرف شدن رطوبت، به شکل ناخن طبیعی استحکام یافته و روی آن قرار می گیرد، با رشد ناخن اصلی، ناخن کاشته شده بتدریج نیاز به ترمیم پیدا می کند تا شکل اولیه خود را باز یابد.

### انواع روش های کاشت ناخن

کاشت ناخن به یکی از صورت های قالبی، پودری، ژله ای و میکس انجام می گیرد.

### بهباه های استفاده از کاشت ناخن

پیروی از مد روز، چشم هم چشمی، علایق شخصی، خوشایند شوهر بودن، جمال خواهی و زیبایی دوستی، عادت به ناخن جویدن، ضعیف و شکننده بودن ناخن طبیعی، زشتی ناخن طبیعی.

• ناهید موحدی

### عوارض کاشت ناخن:

- فرایند کاشت ناخن مصنوعی موجب نرسیدن اکسیژن کافی به بافت زیر ناخن می شود و تغییر رنگ ناخن، کدر شدن و رشد کم ناخن از عوارض این اقدام است.

- با قرار گرفتن ناخن مصنوعی روی ناخن فرد، ریشه از بین می رود و ناخن فرد دچار تغییر شکل می شود.

- عفونت های قارچی و بیماری های ویروسی از جمله عوارض شایع کاشت ناخن است، اغلب موارد استفاده شده در این نوع کاشت غیر استریل و چند بار مصرف هستند و از راه های انتقال بیماری های پوستی محسوب می شوند؛

- مواد شیمیایی که در چسباندن این ناخن های مصنوعی استفاده می شوند غیر استاندارد هستند و موجب بروز حساسیت های حاد پوستی نیز می شود.

- برای درمان عفونت های قارچی حاصل از کاشت ناخن از آنتی بیوتیک ها استفاده می شود اما گاهی ریشه ناخن به حدی آسیب می بیند که شکل طبیعی ناخن به طور کامل از بین می رود.

- کاشت ناخن های مصنوعی باعث تغییر رنگ ناخن، التهاب دور ناخن، خط خط شدن و خرد شدن ناخن و کنده شدن لبه آزاد ناخن از بستر (انیکولیز) می شود.

اخیراً برخی آرایشگران خانم برای جلب مشتری و کسب درآمد بیشتر، به تبلیغ و بازارگرمی برای کاشت ناخن می پردازند و بیان می کنند که از دیدگاه فلان مرجع تقلید، ناخن کاشته شده هیچ خللی برای انجام واجبات شرعی مانند غسل و وضو ایجاد نمی کند. این مسئله حتی در برخی بروشورهای تبلیغاتی آرایشگری نیز به چشم می خورد. اما به راستی حکم آن چیست؟

### استفتائات از سایت مراجع عظام درباره کاشت ناخن:

#### مقام معظم رهبری دامت برکاته:

س. کاشت ناخن مصنوعی برای بانوان چه حکمی دارد؟  
ج. کاشت ناخن فی نفسه اشکال ندارد و با فرض صدق زینت، باید از نامحرم پوشانده شود.

س. اگر کسی ناخن مصنوعی بکارد، برای وضو و غسلش چه باید بکند؟

ج. در صورت کاشت ناخن، برای وضو و غسل باید مانع - ولو با صرف هزینه ممکن - برطرف گردد و چنانچه می داند امکان برطرف کردن آن نیست و یا رفع آن با مشقت غیر قابل تحمل همراه بوده و یا ضرر قابل توجهی دارد، در وقت نماز باید وضو یا غسل را انجام دهد سپس مبادرت به این کار کند و وضو و غسل های بعدی را باید به صورت جبیره انجام دهد (یعنی با دست مرطوب مانع را مسح نماید)؛ اما در صورتی که امکان برطرف کردن آن - ولو در روزهای بعد - باشد و برطرف نکند، وضو و غسل جبیره باطل خواهد بود.

#### آیت الله مکارم شیرازی:

س. کاشت ناخن یا مژه مصنوعی برای غسل چه حکمی دارد؟

ج. در صورتی که ضرورتی برای این کار نباشد آن را ترک کنند، و چنانچه ضرورتی وجود داشته باشد و امکان جداسازی آن، به هنگام غسل نباشد، بصورت عادی غسل را انجام می دهد.

آیت الله سیستانی

س. در آرایشگاه کار می کنم و کار کاشت ناخن انجام می دهم آیا کار من و حقوقی که دریافت می کنم اشکال دارد؟

ج. مزد گرفتن برای این کار که مانع از صحت وضو و غسل می شود صحیح نیست ولی آرایشگر اگر می داند که طرف در هر حال راضی به تصرف او در پول پرداختی است می تواند در آن تصرف کند. در ضمن وظیفه دارد حکم شرعی در مسأله را به او تذکر دهد در صورتیکه احتمال دهد مؤثر واقع شود.

#### آیت الله سبحانی

س. کاشت ناخن حرام است؟ و اگر قابل قلع نباشد آیا علاوه بر وضو و غسل، تیمم هم لازم است یا نه؟

ج. وضوی چنین فردی وضوی جبیره است ولی احتیاطاً تیمم نیز بکند البته باید از کاشت ناخن اجتناب کند. والله العالم



## ثواب زیارت امام حسین (ع)

• فاطمه سلطانی

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه السلام و حب زیارتش را در قلب او می‌اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می‌اندازد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۹۶)

۲- از امام صادق علیه السلام روایت شده:

هیچ کس نیست در روز قیامت مگر اینکه آرزو می‌کند ای کاش امام حسین علیه السلام را زیارت کرده بودم آن هنگامی که می‌بیند که با زوار امام حسین علیه السلام چه می‌کنند، چقدر نزد خداوند مورد کرامت واقع می‌شوند. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۲۴)



۳- امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس اباعثبه علیه السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است. (تهذیب الأحکام/ج ۶/ص ۴۶)

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که می‌خواهد در جوار پیامبرش (ص) و جوار امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه (علیها السلام) باشد، زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکند. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۲۵)

۵- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده:

اگر مردم می‌دانستند، زیارت امام حسین علیه السلام چقدر فضیلت و ثواب دارد، بدرستی که از شوق می‌مردند و نفسهایشان از روی حسرت بند می‌آمد. گفتیم: چقدر فضیلت دارد، حضرت فرمودند: هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا برایش هزار حج مقبول و هزار عمره مبروره و اجر هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب هزار بنده آزاد کردن که مراد از آن رضای خدا باشد، می‌نویسد. (وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۴۵۳)

۶- امام باقر علیه السلام فرمودند:

شیعیان ما را به زیارت امام حسین (ع) امر کنید، چرا که زیارتش روزی را افزون می‌کند و عمر را طولانی می‌گرداند و بلاها و بدیهار را دفع می‌کند و زیارت کردن امام حسین (ع) بر هر مومنی که اقرار به امامت او از جانب خدا داشته باشد، واجب است. (تهذیب الأحکام/ج ۶/ص ۴۲)

۷- سیف تمار از امام صادق علیه السلام نقل فرمودند:

شنیدم که ایشان می‌فرمودند: زائر امام حسین علیه السلام شفیع صد نفر در روز قیامت می‌باشد کسانی که آتش دوزخ بر ایشان واجب شده است و کسانی که در دنیا از مسرفین بودند. (مستدرک الوسائل/ج ۱۰/ص ۲۵۳)

یاسین ابن عباس شفاعت



# یاد یار

• سیده زهرا امامی

محبت ائمه علیهم السلام بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، ولی در اهتمام به محبت مولایمان حضرت مهدی (عج) خصوصیتی است که سبب شده در روایات به طور ویژه به آن توصیه گردد.

در دعایی که بعد از زیارت آل یاسین آمده می‌خوانیم: «وَأَنْ تَمَلَّأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ... وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْفَاكِ؛ خدایا! از تو می‌خواهم که سینه‌ام را از نور دوستی محمد و آل محمد، سرشار کنی، تا آن زمان که تو را ملاقات کنم.»

در اینکه محبت تمام ائمه علیهم السلام و دوستی شان بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است شکی نیست، ولی در اهتمام به محبت مولایمان حضرت مهدی (عج) تعالی خصوصیتی است که سبب شده به طور خصوص به آن امر گردد و این به دو جهت است:

□- عقل حکم می‌کند که حضرت را دوست بداریم، چون تمام نعمت‌ها و عنایات بی پایان خداوند به واسطه و به برکت وجود مبارک مولایمان ما را در بر گرفته است.

□- روایات نیز می‌رساند که محبت و دوست داشتن آن حضرت لازم است. سید محدث بحرانی در کتاب غایه المرام به نقل از نعمانی به سند خود از رسول خدا (ص) روایت کرده که ایشان فرمود:

خداوند در شب معراج به من وحی فرمود:

ای محمد! چه کسی را در زمین بر امتت جانشین کرده‌ای؟ و حال آنکه او بهتر می‌دانست. گفتم: ای پروردگار عموزاده‌ام را. فرمود: علی بن ابی طالب را؟ گفتم: آری پروردگارا. فرمود: ای محمد! من به زمین نظری افکندم پس تو را از آن برگزیدم، پس اینکه تو با من یاد شوی من محمود هستم و تو محمد هستی، بار دیگر بر آن نظری افکند و علی بن ابی طالب را برگزیدم، پس او را جانشین تو قرار دادم که سید پیغمبرانی و علی سید اوصیا و برای او اسمی از اسم‌هایم را قرار دادم که من اعلی هستم و او علی است. ای محمد! من علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان را در یک نور آفریدم، سپس ولایت شما را بر فرشتگان عرضه نمودم، پس هر که آن را پذیرفت مؤمن شد و هر که آن را انکار نمود از کافران گردید، ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم آن قدر مرا پرستش نماید تا اینکه بمیرد، سپس در حالی که منکر ولایت شما باشد، مرا ملاقات کند او را به جهنم خواهم برد. سپس فرمود: ای محمد! آیا می‌خواهی آنها را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: پیش بیا. چون پیش رفتم نگاه علی بن ابی طالب و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم را که همچون ستاره‌ای درخشان در میان آنان بود، دیدم. گفتم: ای پروردگار من! اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان

هستند و این قائم است، حلالم را حلال و حرامم را حرام می‌نماید و از دشمنانم انتقام می‌گیرد، ای محمد او را دوست بدار که من او و دوست دارنده او را دوست دارم»

این حدیث بیانگر این است که محبت آن حضرت، مقتضی امر مخصوصی از سوی خدای تعالی است. با اینکه محبت همه ائمه علیهم السلام واجب است ولی دو ویژگی سبب محبت خاص شده است: چیره شدن دین و غالب گردیدن مسلمین بر کافرین به دست آن حضرت.

اما اینکه ما شیعیان چگونه ارادتمان را به حضرت عجل‌الله تعالی نشان دهیم، طرق مختلفی دارد که در کتاب شریف مکیال المکارم فی الفوائد قائم به آنها اشاره شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.



# معرفی کتاب

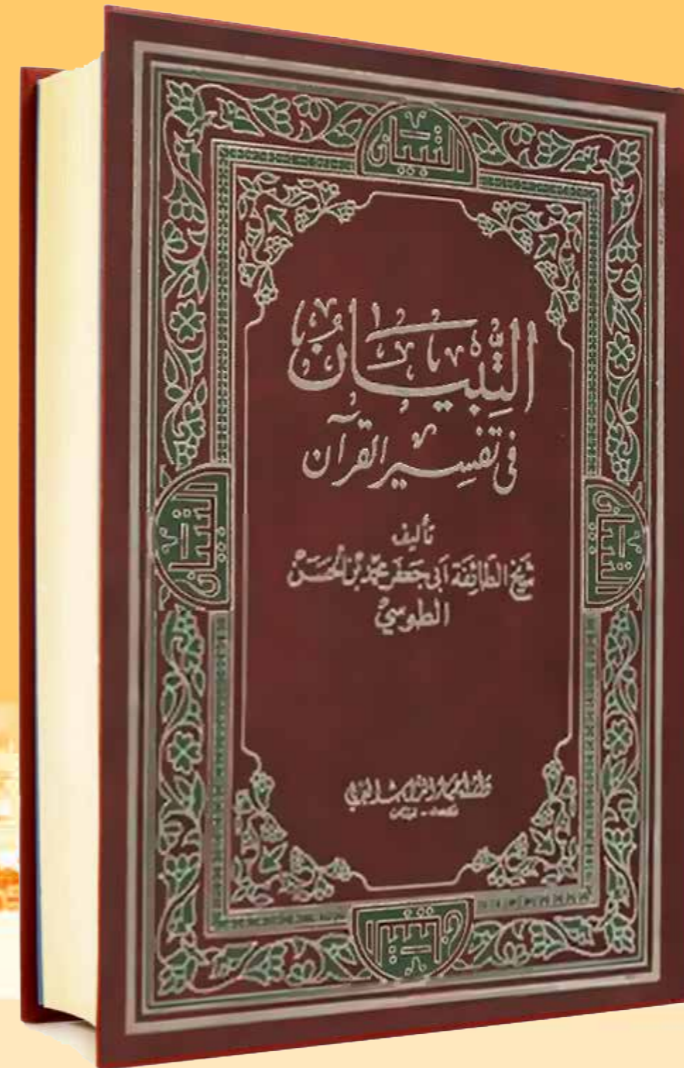
## التبیان فی تفسیر القرآن

• ناهید موحدی

تفسیری است از «ابوجعفر محمد بن حسن طوسی»، معروف به «شیخ طوسی» یا «شیخ الطائفه»، فقیه و محدث و متکلم نامور امامی قرن پنجم.

این کتاب اولین تفسیر کامل شیعی از قرآن کریم است که مفسر آن، علاوه بر نقل روایات مأثور، با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف به ارزیابی آرای تفسیری گذشتگان و معاصران خود پرداخته است؛ از این رو این تفسیر جامع انواع علوم و فنون متعلق به تفسیر قرآن، همچون صرف و نحو و اشتقاق و معانی و بیان و حدیث و فقه و کلام و تاریخ است.

پیش از این تفسیر، مفسران شیعه تنها به نقل روایات از صحابه یا ائمه (ع) و نیز اشاره به برخی نکات لغوی و گاه نقل اسراییلیات پرداخته‌اند (برای نمونه تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی). از میان مفسران اهل سنت نیز تنها طبری (متوفی ۳۱۰) علاوه بر نقل اقوال، به نقد آنها و انتخاب روایاتی که از نظر او اصح روایات بوده، پرداخته است.



### ساختار و گزارش محتوا

التبیان فی تفسیر القرآن، تفسیر کل قرآن به ترتیب سوره‌های آن است و در ده جلد تدوین شده است. مفسر در آغاز هر سوره، به نام‌های آن و وجه تسمیه آنها، مکی یا مدنی بودن سوره، و وجود آیه ناسخ و منسوخ در آن اشاره کرده، سپس به بررسی اختلاف قرائات، معنای لغوی واژگان، اشتقاق، صرف، نحو و گاه نکات بلاغی آیات پرداخته و سرانجام معنای کلی آیات را شرح و تفسیر کرده است.

شیخ طوسی در مقدمه التبیان، با اشاره به انگیزه خویش از نوشتن این تفسیر، می‌گوید که هیچ یک از علمای شیعه را ندیده است که کتابی در تفسیر تمام قرآن و مشتمل بر همه انواع علوم و معانی آن نوشته باشد؛ بنابراین وی می‌کوشد که تفسیرش به اختصار همه فنون و علوم قرآنی را در بر گیرد، متشابهات قرآن را توضیح دهد، مباحث کلامی در رد مجتبه و مشبّهه و مجسمه و جز ایشان را بیان و ادله علمای شیعه بر حقانیت اصول و فروع مذهبشان را با استناد به آیات قرآن

بازگو کند. وی در ابتدای تفسیر به ذکر پاره‌ای نکات کلی در

تفسیر و علوم قرآنی می‌پردازد.

شیخ طوسی به آثار لغوی و تفسیری پیش از خود توجه بسیار داشته و همواره آرای ادبی و کلامی و گاه مباحث فقهی و اصولی ایشان را نقل، و در بیشتر موارد بررسی کرده است؛ ازینرو این موضوعات، از بیشترین مباحث تفسیر وی‌اند. وسعت اطلاعات زبانی و ادبی شیخ طوسی، تفسیر وی را از لحاظ ادبی از تفاسیر متقدم شیعه و حتی اهل سنت متمایز کرده است.

به سبب تبحر شیخ طوسی در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت، مباحث فقهی و اصولی نیز در تفسیر وی مطرح شده است. وی در ذیل آیات الاحکام، با ذکر رأی فقهای امامیه در اصل و فروع مسئله مورد بحث، به اختلاف این آرا با رأی دیگر مذاهب فقهی اهل سنت اشاره کرده و غالباً تفصیل مباحث را به کتاب‌های فقهی خود، همچون سه کتاب نه‌ایه و مبسوط و خلاف، ارجاع داده است. مناظرات کلامی در عصر شیخ طوسی، به التبیان صبغه کلامی خاصی بخشیده است.







## پرسش و پاسخ

• فاطمه تقی پور

### چرا محبت؟

پیوند زناشویی، پیمانی مقدس و خدایی است؛ که در آغاز به کمک نیاز و جاذبه متقابل زن و مرد ایجاد می‌گردد. تسکین داشتن یک زندگی شیرین و لذت بخش همراه با آرامش روح که زمینه بالندگی، مادی و معنوی زوجین را فراهم آورده و تداوم نیز داشته باشد، تا حد زیادی در گرو وجود عنصری حیات بخش به نام محبت است. به راستی، کدام زندگی مشترک، است که بدون محبت و مهرورزی، حتی ساعتی دوام یابد و کدام مرد یا زن است که بدون تبادل عاطفی

و داد و ستد انسانی، حاضر به تحمل طرف مقابل در کنار خود باشد در حالی که خداوند متعال اساس زندگی مشترک زوجین را، بر مودت و رحمت بنیان نهاده است. باید دانست که محبت و مهر ورزی در خانه و خانواده جریانی دو سویه بوده و در کاهش آن نیز زوجین هر دو با هم می‌توانند دخیل باشند. از طرفی دیگر، بد اخلاقی از صفات بسیار ناپسندی است که تحمل آن برای دیگران بسیار سخت و گاهی ناممکن

است، چنانچه اگر یکی از زوجین به این رذیله مبتلا باشد، خانه و زندگی مشترک را به جهنمی تبدیل می‌سازد که تحمل آن ناممکن است.

در روایات اهل بیت علیهم السلام آثار بسیار خطرناکی برای سوء خلق بیان شده که بسیار تکان دهنده است؛ از جمله اینکه چنین شخصی اعمالش فاسد شده و از بین می‌رود، توبه اش پذیرفته نمی‌شود، زندگی سخت و دردناکی خواهد داشت، بدترین همشین و همراه خواهد بود دارای فشار قبر بوده و نفسش در عذاب است، رزق و روزیش کم و زندگیش تیره و تار می‌شود و در حقیقت، مؤمن نبوده و اهل آتش است..

تا جایی که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

### بد اخلاقی باعث سخت شدن زندگی و عذاب روح است.

باید توجه داشته باشیم که بد اخلاقی در زندگی ما راه نیابد؛ چرا که دنیا و آخرت ما را دچار خسران می‌سازد. بنابر این توصیه می‌شود، در صورت وجود رگه‌هایی از سوء خلق در هر یک از زوجین، هر چه سریعتر به درمان و علاج این مصیبت بپردازند و اجازه ندهند، زندگی مشترک ایشان آسیب ببیند.

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله :  
هر چه ایمان انسان کامل تر باشد به  
همسرش بیشتر اظهار محبت می‌نماید.

بحار جلد ۱۰۲ ص ۲۲۸



## مزاج شناسی اسلامی

• فاطمه سلطانی

## اختلال مزاج ها

اختلال مزاج ها بحثی مهم و اساسی در طب اسلامی است. از نظر طب اسلامی بسیاری از بیماری ها به اختلال در مزاج های چهارگانه بر می گردد و در پی به هم ریختن مزاج ها عوارض بیماری بروز می کند. کسی که از مزاج های چهارگانه شناخت کافی داشته باشد و بر آن ها مسلط شود می تواند بسیاری از بیماری ها را درمان کند، به طوری که حتی اگر

داروی یک بیماری را شناسد می تواند از راه شناخت مزاج نوع بیماری را تشخیص دهد و آن را درمان کند. به این گونه آن بیماری به صورت ریشه ای درمان می شود. در واقع با تشخیص هر نوع مزاج و کشف راه های غلبه بر آن می توان بیماری های مرتبط را تشخیص داد و درمان کرد. در این گفتار راه های تشخیص مزاج های چهارگانه و نقش و ارتباط آنها در به وجود آمدن بیماری ها در قالب روایات مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.

## در روایات آمده است:

«خداوند درباره خلقت حضرت آدم (ع) که فرموده: آدم را خلق نمودم و جسم او را با چهار چیز ترکیب نمودم. آن چار چی عبارت است: رطوبت، خشکی، گرمی و سردی. این چنین بود که آن را از خاک و آب آفریدم، سپس نفس و روح را در او قرار دادم، پس خشکی هر جسم از خاک، رطوبتش از آب، گرمی آن از نفس و برودت و سردی اش از روح است.

پس از خلقت اولیه چهار طبیعت را در بدنش مقرر داشتم که ملاک و قوام جسم به آن ها وابسته است و جو قوامی ندارد مگر به اذن من و بدن توانایی و استقامتی ندارد مگر با آن چهار طبیعت و هر یک از این ها به دیگری مربوط و محتاج است و بدون وجود همدیگر نمی توانند کار کنند (و به وظایف خود عمل نمایند). آن چهار طبیعت عبارتند از: سودا، صفرا، خون و بلغم.»

نفس در بدن انسان جریان دارد، ولی روح همانند باد درون بادکنک است. خداوند پس از خلقت آدمی در او روح دمیده و به صورت انسان خلق شده و مزاج های چهارگانه را نیز در وجود او قرار داده است. هیچ یک از مزاج های چهارگانه به تنهایی کاربردی ندارد و باید همراه یکدیگر به صورت مساوی وجود داشته باشند. در روایتی مزاج ها را چهار نوع می شناسد و در روایتی دیگر صفرا و سودا را یک مزاج به حساب می آورد.

همچنین در یک روایت دیگر مزاج ریح را مزاجی جداگانه معرفی می کند و آن را به مزاج های چهارگانه اضافه می نماید. در این صورت مزاج ها شامل مره، بلغم، دم (خون) و ریح می شوند. در روایتی نقل شده است: «طبايع چهارگانه: ریح، مره، بلغم و دم (خون) هستند.»





## سوهان قم

### طرز تهیه:

اول از همه بهتر است مواد لازم را آماده کنید و کنار بگذارید. اگر مغز پسته و بادام شما کامل است بادام را بخیسانید و پوست بکنید و همه مغزها را خرد کنید. در ضمن چند کاغذ روغنی بزرگ را روی سطحی نزدیک به اجاق گازتان پهن کنید تا بتوانید مایه سوهان داغ را روی آن بریزید تا خنک شود. البته می‌توانید از ظرف پیرکس یا سیلیکونی هم استفاده کنید. آرد گندم، پودر جوانه گندم و شکر را در قابلمه‌ای بریزید و روی شعله قرار دهید. ۲-۳ دقیقه تفت بدهید و مرتب هم بزنید. آب را اضافه کنید. به هم زدن ادامه دهید تا شکر کامل حل شده و مخلوط به جوش بیاید. دماسنج آشپزخانه را در مایه، فرو ببرید. سپس کره را اضافه کنید و هم بزنید تا ذوب شود.

سوهان قم یکی از خوشمزه ترین شیرینی‌های ایرانی است که معمولاً به عنوان عصرانه همراه با چای سرو می‌شود. اما شاید تا به حال به این فکر نکرده باشید که می‌توانید خودتان هم سوهان قم را در منزل تهیه کنید. تهیه سوهان خیلی کار سختی نیست فقط نیاز به یک دماسنج آشپزی دارد تا با آن دمای دقیق مخلوط سوهان داغ را اندازه‌گیری کنید. با تهیه سوهان در منزل می‌توانید برای تزیین آن از مغزهای دلخواه خود استفاده کنید و سوهان را به شکل دلخواه خود در بیاورید.

### مواد لازم

آرد گندم دو قاشق غذاخوری  
پودر جوانه گندم دو قاشق چای خوری  
شکر یک پیمانه  
آب هشت قاشق غذا خوری  
کره ده قاشق غذاخوری  
عسل شش قاشق غذا خوری  
پودر هل یک دوم قاشق چایخوری  
زعفران یک دوم قاشق چای خوری  
نمک یک هشتم قاشق چایخوری  
خلال بادام یک دوم پیمانه (اختیاری)  
مغز پسته خرد شده یک دوم پیمانه



## کیک بدون فر (قابلمه ای)

### • فاطمه میری

بیکنگ پودر الک شده، کم کم اضافه کنید. سپس با لیسک یا قاشقی هم بزنید و سپس خمیر کیک را در قابلمه ای که کف و اطراف آن را چرب نموده اید، بریزید و درپوش قابلمه را به همراه دم کنی قرار داده و سپس روی اجاق گاز قرار دهید و با شعله ملایم اجازه دهید تا به مدت ۴۵ دقیقه بپزد. در این مدت اصلاً در قابلمه رو برندارید که باعث خوابیدن پف کیک می‌شود. سپس با یک خلال دندان کیک را تست کنید. اگر کیک به خلال چسبید پس هنوز پخت آن کامل نشده است، اما اگر خلال فرو رفته در کیک تمیز بیرون آمد، پخت کیک تمام شده و می‌بایست اجازه دهیم خنک شود و بعد از خنک شدن، آن را از قابلمه جدا نمائیم.

### نکات مهم:

- ۱- اینکه دم کنی فراموش نشود چون نبود دم کنی در کیک قابلمه باعث خیس شدن کیک می‌شود.
- ۲- بعدی اینکه در قابلمه بعد مدت مشخصی برداشته شود تا پف کیک نخوابد.
- ۳- از شعله پخش کن استفاده نمائید تا شعله یکنواخت باشد.

### مواد لازم

یک و لیوان آرد  
یک لیوان پودر قند یا شکر  
یک ق.غ خوری بیکنگ پودر  
سه چهارم لیوان روغن  
یک دوم ق.چای خوری وانیل  
سه چهارم لیوان شیر  
سه عدد تخم مرغ

### طرز تهیه:

ابتدا تمام مواد لازم را آماده کرده و از یخچال خارج نموده تا به دمای محیط برسد و پودر قند و تخم مرغ ها را به همراه وانیل و به وسیله همزن دستی یا برقی همزده شود تا حدی که کش دار و کرم رنگ شود. شیر و روغن را به همراه آرد و



## فعالیت های مدرسه کریمه اهل بیت علیها السلام تابستان ۹۷

### رمضان الکریم



▲ نماز عید سعید فطر، مردم منطقه نیروگاه،



▲ جزء خوانی قرآن، بانوان کانون



▲ نماز جماعت، بانوان کانون



▲ کلاس های قرآن، بچه های کانون



▲ راهپیمایی روز قدس

### کانون و کریمه



▲ مراسم سوگواری دهه اول محرم، بانوان کانون



▲ جشن میلاد حضرت مضمومه علیها السلام، بانوان کانون



▲ جشن عید غدیر، بانوان، منطقه نیروگاه



▲ جشن میلاد امام رضا علیه السلام، بانوان کانون



▲ کسب رتبه دوم استانی توسط سرکار خانم ناهید موحدی، در جشنواره بانوی کرامت.



▲ جلسه دفاعیه پایان نامه سطح ۲، گروهی از طلاب مدرسه

### برترین ها پژوهش

### کانون و کریمه



▲ کلاس های تابستان، بانوان کانون





## غربت خورشید

• فاطمه ساکی (رها)

کنایه از غزلی استعاره از خورشید  
کسی نهایت درد تو را نمی فهمید

که چشمه چشمه از این حزن غربت ای عشق  
دوباره از ته قلبم غزل غزل جوشید

کسی به خاطر تو از خودش فراری شد  
کسی به خاطر تو از خودش کنار کشید

دلی که خورد باگناه و ساده شکست  
به عشق کفتر صحنه نمیتوان بخشید

عبور ممتدی عشقی ز لابلای ضریح  
که می شد از تبعاتش بهار را فهمید

نهایت نفس شاعرانه ی من باش  
و حس خوب شرابی که میتوان نوشید.

## هوای دلتنگی

• فاطمه ساکی (رها)

دوباره شعر دوباره هوای دلتنگی  
و ناله های بیابان صدای دلتنگی

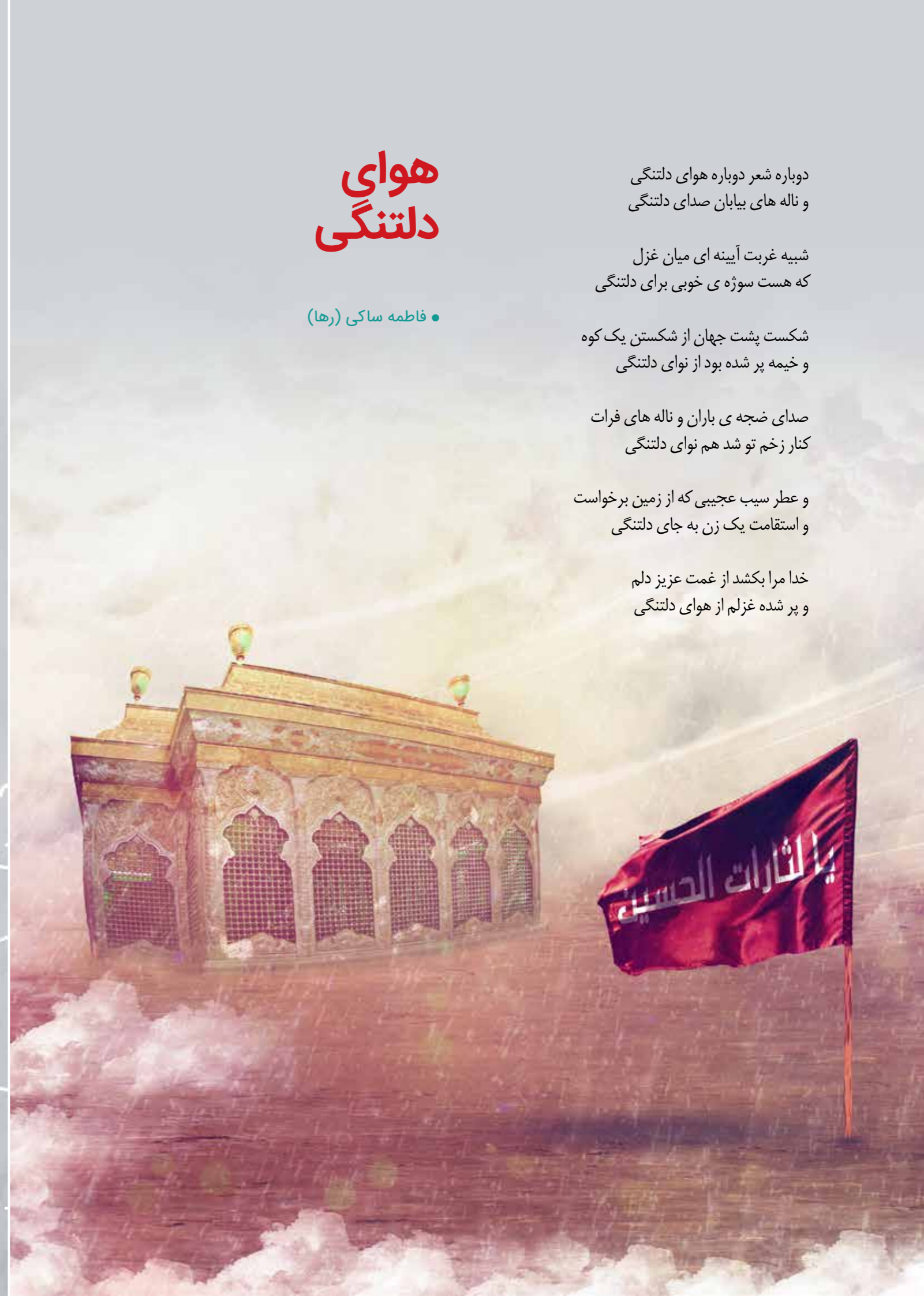
شیه غربت آینه ای میان غزل  
که هست سوژه ی خوبی برای دلتنگی

شکست پشت جهان از شکستن یک کوه  
و خیمه پر شده بود از نوای دلتنگی

صدای ضجه ی باران و ناله های فرات  
کنار زخم تو شد هم نوای دلتنگی

و عطر سیب عجیبی که از زمین برخواست  
و استقامت یک زن به جای دلتنگی

خدا مرا بکشد از غمت عزیز دلم  
و پر شده غزلم از هوای دلتنگی





اللَّهُمَّ اهْبِطْ إِلَى الْبَيْتِ  
أَنْزِمِي أَيْدِي لِيَدِ عَنَّا الْخَيْرِ أَهْلِكَ  
وَوِطِّئِي كِبْرِي تَطْهِيرِ

